

عمل کارگری - اطلاعیه ۱

۲۲ آبان ۱۳۷۹

Amal@kargar.org

در دفاع از محمود صالحی

محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان سقز چند هفته پیش توسط رژیم دستگیر شد. این مبارز کارگری به جرم تلاش برای متشکل کردن کارگران و دفاع از حقوق آنها برای بار پنجم به زندان فرستاده شده و به علت شرایط وخیم زندان، خطر جانی وی را تهدید می‌کند.

شبکه انگلیسی «عمل کارگری» دفاع از این کارگر مبارز را در میان نیروهای مترقی و انقلابی کارگری جهانی تبلیغ کرده و خواهان آزادی فوری وی و رفع هر گونه اتهام علیه او خواهد شد.

کمپین دفاع از محمود صالحی دو هفته پیش توسط «تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری» آغاز گشته و تا کنون موفق به کسب حمایت بسیاری از اتحادیه کارگری شده است.

پیام‌های همبستگی با «محمود صالحی»

از اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های مترقی:

رجوع شود به ضمیمه همین شماره.

<http://www.kargar.org>

BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

«سر» اختاپوس قطع باید گردد!

م. رازی

Razi@kargar.org

دادگاه‌های نمایشی شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، بار دیگر مسئله ماهیت رژیم و جناح‌های درونی آن را به مرکز توجه سوق می‌دهد. در جریان دادگاه‌ها، برخی از اصلاح‌گرایان به دفاع از خود پرداخته (گنجی و افشاری) و بعضی نیز به ندامت (ابراهیم نبوی) و عده نیز «میانه روی» کردند. اپوزیسیون خارج از کشور نیز طبق روال همیشگی به تجلیل و تحسین دسته اول پرداخته و عملکرد سایرین را موجه اعلام کرد.

بدیهی است که دفاع از حق دمکراتیک هر زندانی سیاسی حائز اهمیت بوده، زیرا منجر به افشای ماهیت رژیم و تقویت مبارزات کلیه مخالفان رژیم می‌گردد. طبیعی است که هر روش و شیوه سرکوب مخالفان سیاسی باید مورد اعتراض شدید قرار گرفته، حتی چنانچه مرعوب شوندگان، بخشی از افراد وابسته به رژیم باشند.

بقیه در صفحه ۲

سایر مطالب:

رسوایی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ص ۴

خبرهای کارگری: صفحه ۲

خبرهای دانشجویی: صفحه ۶

آمار تکان دهنده: صفحه ۷

نامه به گاردین در دفاع از محمود صالحی ص ۸

سر اختاپوس.....بقیه از صفحه ۱

نشدا قرار شد که مجلس ششم، که اکثریت آن در دست اصلاح گرایان «جبهه مشارکت» متمرکز شده، اقدام به اصلاحات کند. چنین نشدا اکنون می گویند که قرار است «نیروهای غیر حکومتی و رادیکال» رژیم (گنجی ها و طبرزدی ها) سکان اصلاحات را بدست بگیرند. این استدلالها نیز بی اساس است. زیرا مخالفت این افراد، در اوج خود، از اختلافات جزئی و شخصی فراتر نرفته و نمی تواند برود. اکبر گنجی ۸ ساعت در دادگاه علنی در انتظار جهانیان، فرصت طلایی ای داشت که ضمن افشای رژیم از اصلاحات حمایت کرده و رژیم را به محاکمه بکشد. چنین نکردا آیا دفاع از حقوق زنان ایران (یکی از موارد اتهام نسبت به او) در دادگاه بیشتر اهمیت داشت و یا کتک خوردن او بدست زندانبانان؟ آقای طبرزدی بطور سیستماتیک به دانشجویان مستقل پشت کرده و تشکیل «جبهه دمکراتیک مردم» و سازمانهای وابسته به آن «جنبش متحد کارگران» و «جنبش متحد دانشجویان»، هیچ اقدام اساسی تا کنون انجام نداده و از اعتباری در جامعه بر خوردار نیستند (تنها متحدان خارج از کشوری این جریانها مبلغ و بلندگوی نظریات وی شده اند- رجوع شود به نشریات اکثریت و راه کارگر).

امروز در ایران «جبهه سوم»ی در حال شکل گیری است. مبارزه در راستای ایجاد تشکل های مستقل کارگران، جوانان و زنان؛ و دفاع از زندانیان سیاسی در بند که بطور گمنام در زندانهای رژیم تحت شکنجه های روانی و جسمانی قرار گرفته، باید محور مبارزات نیروها و افراد خارج از کشور قرار گیرد. مبارزه مردم ستم دیده ایران در راه سرنگونی کامل این رژیم و قطع کردن «سر» اختاپوس در دستور روز قرار گرفته است. زیرا سریع ترین و مطمئن ترین روش در راستای تحقق حقوق دمکراتیک و انجام اصلاحات بنیادین با براندازی این رژیم منحوس گره خورده است. ۱۳۷۹ آبان ۳۰

خبر کارگری شماره ۴

۲۲ آبان ۱۳۷۹

اجتماع اعتراضی مردم کلاک کرج

ساکنان زحمتکش منطقه «کلارک» کرج، روز پنج شنبه ۱۹ آبانماه ۱۳۷۹ در اعتراض به عدم اجرای تعهدات شرکت مترو مبنی بر تکمیل پل زیرگذر در حاشیه مسیر قطار شهری تهران -

اما، تمام اینها نباید به مفهوم دفاع سیاسی از برنامه ها و سیاستهای «مخالفان» باشد. اضافه بر آن، نمی توان فراموش کرد که متهمان کنفرانس برلین خود به شکلی مربوط به رژیم و سیاستهای پیشین آن بوده، و در نتیجه رفتار هیئت حاکم نیز با آنها متفاوت است. در ایران زندانیان سیاسی ای وجود داشته و دارند که زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفته و یا بلافاصله اعدام گشته اند. در صورتی که با زندانیان «سیاسی» کنونی محترمانه رفتار شده و آنها از حقوق ویژه ای برخوردار هستند. مسایل طرح شده توسط آنها و اعتراضاتشان قابل مقایسه با مسایل اکثریت زندانیان سیاسی نیست. زندانیان سیاسی عادی هرگز امکان دفاع از خود در دادگاهها را نمی یابند و در اسرع وقت «سر به نیست» می گردند. در صورتی که مسئله این عده نداشتن روزنامه در زندان و یا عدم ملاقات خانواده گانشان و یا دوست نداشتن لباس و یا غذای زندان است!

رژیمی که تا کنون هزارها تن از کارگران و جوانان را اعدام کرده، قصد کشتن و نابودی این «خودی» ها را ندارد که تنها می خواهد آنها را تأدیب کند. تفاوت این دو بر خورد، فاحش است! اپوزیسیون خارج از کشور باید این تفاوتها را به رسمیت شمرده و بر آن تأکید ورزد.

رژیم کنونی ایران همانند اختاپوسی است با دستهای متعدد. گرچه این دستها گاهی به یکدیگر گره خورده و هم آهنگی را از دست می دهند، اما کماکان حافظ کل بدن بوده از آن با دل و جان حراست می کنند. زیرا واقفند که با از دست دادن بدن، خود آنها نیز از بین خواهند رفت.

در صورتی که مسئله کارگران، جوانان، زنان و ملیتهای ایران که تحت ستم این حیوان زشت سیرت قرار گرفته اند، قطع کردن «سر» اختاپوس است! افراد و نیروهایی که به نحوی از انحا با هر استدلالی به حمایت از اجزای بدن این اختاپوس، پرداخته و آن را تغذیه می کنند، به حیات ننگین این حیوان، آگاهانه و یا نا آگاهانه کمک می رسانند. این که به کدامیک از اجزا کمک رسانده می شود، تفاوتی در اصل قضیه نمی کند.

رژیم سرمایه داری آخوندی ایران در مجموع رژیمی است اختناق آمیز. تحولات درونی چنین رژیمی هرگز به اصلاحات نمی انجامد. قرار بود آقای خاتمی با بیش از ۲۰ میلیون آرای مردم، «اصلاحات» را انجام داده و «جامعه مدنی» را برقرار کند. چنین

کرج، دست به تجمع اعتراضی زدند. ساکنان معترض کلارک بعد از ساعتها تجمع، با محکوم کردن مسوولان سهل انگار رژیم، به تجمع خود پایان دادند.

خبر کارگری شماره ۵

۲۳ آبان ۱۳۷۹

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

کارگرانی شهرداری که طی سالهای ۷۱-۱۳۷۳ بازخرید شده اند، در تاریخ ۱۴ آبانماه ۱۳۷۹، ضمن یک تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان شورای شهر تهران، خواهان بازگشت به کار یا بازنشستگی شدند. شایان الذکر است که این کارگران هریک بین ۱۵ تا ۲۵ سابقه خدمت دارند. این اعتراضات همچنان در سطوح مختلف ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران بیمارستان سینا

کارگران بیمارستان سینا در تاریخ ۱۵ آبانماه ۱۳۷۹، در اعتراض به انتقالشان از شرکت تعاونی حمل و نقل اداری و پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی تهران به شرکت پیمانکاری سپنج فر، در مقابل بیمارستان سینا و خانه کارگر تجمع کردند. کارگران معتقد هستند که با بیمارستان قرارداد کار دارند و مدیریت بیمارستان نباید با عوض کردن این قرارداد و سپردن آن به یک شرکت خصوصی که اعتبار آن تضمین شده نیست، موقعیت آنها را در خطر قرار ببندد.

خبر کارگری شماره ۶

۲۸ آبان ۱۳۷۹

تجمع ۳۰۰ نفره اعتراضی اعضای «شورای اسلامی کار»

بعد از انتشار نامه ی سرگشاده انجمن صنفی مطبوعات خطاب به وزیر کار و امور اجتماعی، در رابطه با محکوم کردن دخالت بی جای «خانه کارگر» در این نهاد، خانه کارگر تکذیب نامه ی دروغینی را در تیراژ بالای چاپ و در سطح میادین اصلی شهر تهران پخش نمود. اگرچه این تکذیبه سعی دارد دخالت غیر موجه خانه کارگر را اصولی

نشان دهد ولی نامه سرگشاده انجمن صنفی بسیار روشن تر از آن است که هیچ فرد بدون غرضی را قانع نکند.

درست چند روز بعد از این اعتراض نامه انجمن صنفی، ۳۰۰ نفر از اعضای شوراهای اسلامی کار (وابسته به خانه کارگر) در روز شنبه ۲۰ آبانماه ۱۳۷۹ در برابر ساختمان مرکزی سازمان تامین اجتماعی تجمع کرده و اعتراض خود را نسبت به نامه ی سرگشاده یی که این انجمن در هفته نامه «آتیه» چاپ کرد، اعلام داشتند. آنان همچنان به آنچه که مخالفت سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد کارگران توصیف کردند، مخالفت کرده و خواستار تغییر مواضع این سازمان در این زمینه شدند. یکی از دستاورد کاران سازمان تامین اجتماعی که نام آن برده نشد گفت: عده یی تمایل دارند بحث ها را به خیابانها کشانده و از آن وسیله یی برای تحریف مواضع سازمان یا تحریک احساسات کارگران شریف بسازند.

خبر کارگری شماره ۷

۳۰ آبان ۱۳۷۹

مردم مسجد سلیمان ۱۵ ساعت خیابان اصلی این شهر را بستند!

مردم به تنگ آمده مسجد سلیمان در اعتراض به باز بودن کانالهای فاضلاب و رها شدن آن در سطح خیابانهای این شهر، با سنگ و شیشه ۱۵ ساعت خیابان اصلی شهر را بستند.

در این حرکت اعتراضی که از ساعت ۸ شب روز شنبه تا ۱۱ صبح یکشنبه به طول انجامید، مردم به رها شدن فاضلاب در سطح شهر که مانع رفت و آمد عابران است انتقاد کرده و گفتند که فرزندانشان در راه مدارس به انواع بیماریهای میکروبی مبتلا می شوند.

شایان الذکر است که مشکلات فاضلاب مسجد سلیمان، مساله جدیدی نیست و رژیم هر بار با آوردن بهانه های کذب از زیر آن شانه خالی می کند.

Daruish@kargar.org

رسوایی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و مفهوم آن برای طبقه کارگر

سارا قاضی

افتضاحی که در زمینه شمارش آرا انتخابات امسال در ایالت فلوریدا آمریکا رخ داد، مسئله ای کوچک و اشتباهی انسانی/تکنیکی و قابل درک نیست. این اشتباه نشانگر نکته عطفی در روند ستیز نظام سرمایه داری با حقوق دموکراتیک توده مردم در جامعه است. اگر تا کنون این ستیزها مزورانه و تحت لوای «دفاع» از حقوق مردم انجام می گرفت، اکنون از نظر تاریخی، زمان آن فرا رسیده که این مبارزه طبقاتی و نابرابر چهره هائی علنی به خود گیرد.

روز ۷ نوامبر، چند ساعتی پس از شروع زمان رأی گیری، تدریجاً سروصداها اوج گرفت و در ابتدا به نظر رسید که پیچیدگی در شکل اوراق رأی گیری، باعث سر درگمی و اشتباه بخش عمده از شهروندان (کهنسال) یکی از حومه های ایالت فلوریدا گردیده بود (محل ضربدر جلوی نام های نمایندگان طوری قرار گرفته بود که باعث اشتباه در انتخاب فرد مورد نظر می گشت). اما پس از گذشت یک هفته، ریشه های اصلی این «اشتباه» روز بروز آشکارتر شده و عوامل اصلی آن لو می روند و حتی شمارش دو باره و کشیدن آن به دادگاه در اصل جریان تأثیری نخواهد کرد. برای روشن شدن بهتر مطلب، می باید چند نکته را به خاطر داشت: مثلاً سابقه حزب جمهوریخواه آمریکا بر هیچکس پنهان نیست. این حزب حافظ منافع نژادپرستانه ترین، واپسگرایانه ترین، دیکتاتورترین و تبهکارترین اقشار جامعه و جریانات سیاسی آن کشور می باشد و توسط سرمایه داران بزرگ و کلیسا حمایت می شود.

جورج بوش کاندیدای ریاست جمهوری این حزب در انتخابات اخیر، در حال حاضر استاندار ایالت تکزاس بوده و سابقه تبهکارانه او همه جا بدنبالش روانه است. در عین حال برادر او استاندار ایالت فلوریدا می باشد و بیشتر مسئولین ارگان های دولتی ایالت فلوریدا (از جمله رئیس دادگاه رسیدگی به مسئله رأی گیری) نیز جمهوریخواه و منتصب استاندار می باشند.

از نکات قابل ملاحظه همچنین توجه به ترکیب شهروندان این ایالت است، بخصوص جنوب فلوریدا که مرکز تمرکز جمعیت آن می باشد. شهروندان این ایالت را عمدتاً سالمندان، بازنشستگان و

مهاجران (اغلب از کشورهای آمریکای لاتین) که اکثراً اقشار کارگری و خرده بورژوازی این ایالت هستند و قشر کوچکی از سرمایه داران بزرگ (که از منابع کشاورزی و توریستی آن سود برده و خود به ندرت درفلوریدا زندگی می کنند، تشکیل می دهند). این ایالت از لحاظ سطح آموزش و پرورش و صنایع و تکنولوژی یکی از عقب افتاده ترین ایالات آمریکا است. ابعاد اختلاف طبقاتی در این ایالت بسیار گسترده بوده و بقدری آشکار و چشم گیر است که انسان را به یاد کشورهای جهان سوم می اندازد. جو تبلیغات حاکم اما، با بی شرمی مهاجران را عامل این «عقب افتادگی» قلمداد کرده، بطوری که کارگران و توده مزدگیر این ایالت به «تنبل» بودن و «تن به کار» ندادن معروف شده اند. در این ایالت حداقل دستمزد ۵/۵ دلار (و در برخی موارد ۴/۵ دلار) در ساعت است که برابر ۸۸۰ دلار در ماه (قبل از برداشتن مالیات) می شود. همزمان کرایه یک آپارتمان یک اتاق خوابه در یک محله متوسط و تا حدودی امن کمتر از ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار یافت نمی شود.

با وجود اینکه طی ۱۰، ۱۱ سال گذشته، اقتصاد آمریکا ظاهراً رونق گرفته و بخصوص در مقایسه با اروپا فراوانی کار به چشم می خورد، اما با توجه به حداقل دستمزد و پایین بودن سطح سواد عمومی، استاندارد زندگی توده مردم زحمتکش آن در حد استاندارد زندگی مردم خیلی از کشورهای جهان سوم است و نظام سرمایه داری حاکم با استفاده از جو تبلیغاتی خود، مهاجران را عامل این عقب افتادگی علم کرده و آشکارا از اختلاف طبقاتی حمایت می کند.

بنابراین، موقعیت خاص این ایالت و خصلت تبهکارانه حزب جمهوریخواه همچون پیچ و مهره مناسب در هم رفته و شرایط را برای یک نقشه تبهکارانه دیگر، یعنی دست بردن در آرای عمومی باز گذاشت. «گیج کردن» سالمندان در حومه ای که انتظار می رفت اکثریت آرا به نفع آل گور (کاندیدای حزب دموکرات) باشد و طرح آن بدانسان که آرا «اشتباهاً» به نفع «بوکانان» نماینده یکی از فاشیست ترین جریانات فعال در انتخابات تمام شود، تنها شروع این حرکت مفتضحانه بود. سپس ابطال ۱۹۰۰ رأی، حذف حق رأی برخی از اقشار سیاهپوستان در میامی و ندادن حق رأی به زندانیان، عملاً پیش شرط لازم را برای بوش فراهم نمود.

این گونه آبرو ریزی ها در تاریخ نظام سرمایه داری آمریکا بی سابقه نبوده و فرجام این انتخابات هم از نظر ما اصل مطلب نمی

از اکنون در پی کشیدن مهار و کوبیدن میخ خود است. به عبارت دیگر، با تجاوز به اولین حقوق دموکراتیک مردم در نظام سرمایه داری، یعنی حق رأی، قدرت های پشت پرده از طریق بوش دارند آرام آرام جو را برای برنامه های ضد مردمی و ضد انسانی خود آماده می کنند و با روی کار آمدن بوش به تدریج در محدود کردن حقوق دموکراتیک و از بین بردن آنچه که از مزایای اجتماعی باقیمانده است، پیش خواهند رفت.

این بی شک اولین بازتاب خود را بر روی زندگی کارگران خواهد داشت. لذا هم اکنون وقت آن رسیده که در آمریکا نیز اتحادیه های مستقل کارگری متحد شده و برنامه ای برای یک حرکت انقلابی آماده نمایند. این اتحادیه ها برای اولین بار باید حزب انقلابی خود را تشکیل داده و برنامه های دراز مدت و انقلابی خود را برای یک مبارزه سیاسی و طبقاتی طرحریزی کنند. البته لازم به تذکر نیست که علیرغم وجود حق بیان و آزادی تشکیلات در نظام های بورژوازی، این حزب در غیر علنی نگهداشتن هسته مرکزی خود، می باید هشیارانه عمل کرده و خود را در برابر سیاستهای مزورانه بورژوازی و نفوذ «سیا» در درون حزب جلوگیری نماید، تا از نتایج تلخ گذشته محفوظ بماند. طبقه کارگر آمریکا می باید توقع اصلاحات پارلمانی را به نفع خود از سر بدر کرده و حتی در پی کنار آمدن با کارفرمایان برای گرفتن مزایا و اضافه حقوق و غیره نباشد. طبقه کارگر آمریکا باید دریافته باشد که نظام سرمایه داری دیگر در پی معامله مسالمت آمیز با کارگران نیست که خود را آماده ستیز کرده است.

طبقه کارگر آمریکا حتی نمی باید، چشم امیدی به جریانات رادیکالی همچون «رالف نادر» داشته باشد، زیرا که دوران اصلاحات بورژوازی بسر آمده و تنها راه رهایی طبقه کارگر آمریکا از چنگال سرمایه داری داشتن یک حزب پیشتاز انقلابی است که قادر است در برابر بورژوازی ایستاده و اعلام دارد که چون بورژوازی در عمل نشان داده که دیگر بیش از این قادر به تأمین خواسته های صنفی این طبقه نیست و حالا هم به منظور حفظ سلطه خود، بی شرمانه و بی پروا به حقوق دموکراتیک مردم حمله می کند، لذا طبقه کارگر آماده است تا وظیفه تاریخی خود را به انجام رسانیده و با ارائه خواسته های انتقالی خود، اولین قدم را در راه یک انقلاب سوسیالیستی بردارد.

Sara@kargar.org

باشد، زیر که حتی اگر هم حزب دموکرات برنده می شد، سیاستی بر علیه منافع جمهوریخواه ها و به نفع طبقه کارگر و توده مردم کم درآمد آمریکا در برنامه نداشت و سیاست های آل گور هم مانند کلینتون و ما قبل او چیزی جز شعار انتخاباتی نیست، ولی آنچه که در مورد این انتخابات و وضعیت پیش آمده اهمیت دارد، مفهوم و تأثیر آن بر حقوق دموکراتیک مردم و خاصه قدرت نمایی کردن برای طبقه کارگر و نشان دادن چشمه ای از آنچه که در آینده در برابر هرگونه مبارزات دموکراتیک می توان انتظار داشت، می باشد.

موقعیت نظام سرمایه داری در آمریکا (و اروپا) اکنون با دهه های بعد از جنگ جهانی دوم کاملاً متفاوت است. سرمایه داری جهانی دیگر نمی تواند در راستای تولید هر چه بیشتر قدم جلو گذارد. سیاست های تولید بی رویه و صرفاً به منظور فروش و سود آوری هرچه بیشتر، در مقطعی از زمان به بن بست برخورد کرده و کالا روی دست سرمایه داران می ماند و این «ضرر» ریشه اصلی همه جنگ های امپریالیستی و تجاوز به حقوق دموکراتیک انسان ها در سطح جهانی است.

در دوره های بعد از جنگ، به علت نیاز به بازسازی (که به معنای فروش کالای انبار شده سرمایه داران است) به علت رونق گرفتن اقتصاد سرمایه داری، نظام سرمایه داری تحت عنوان دفاع از «حقوق دموکراتیک» هر جا که در برابر مبارزات توده ای شکست می خورد، یک تعدادی مزایا و حقوق انسانی و مدنی مردم را با اکراه می دهد. اما در دوران رکود اقتصادی یا جهت گیری بسوی رکود اقتصادی، این نظام با توده های مردم در هر زمینه حقوق دموکراتیک در افتاده و سعی در نمایش قدرت و زهر چشم گرفتن می کند.

در پی مبارزات سال های اخیر اتحادیه های مختلف کارگری در آمریکا و مبارزات و تظاهرات مردم در سال گذشته در سیاتل علیه برگزاری نشست جهانی امپریالیزم، حزب جمهوریخواه آمریکا پی در پی با سیاست های کلینتون مخالفت داشته و از طریق خبرنگاران رسانه های وابسته، به بی اعتبار کردن او (که مستقیماً بر روی حزب دموکرات بازمی تابید) پرداخت. اما در دوران کمپین برای دوره بعدی ریاست جمهوری، حزب جمهوریخواه متوجه بی ثمر بودن آن همه کوشش های خود گشته و دیگر عرصه را بر خود غیر قابل تحمل دید.

از آنجائیکه از دوران «شکوفائی» اقتصادی کلینتون هم بیش از چندی باقی نمانده، حزب جمهوریخواه با پیش بینی اوضاع آینده،

خبر دانشجویی شماره ۱

۱ آذر ۱۳۷۹

دانشجویان « دانشگاه رازی » کرمانشاه اعتصاب غذا کردند

تعداد زیادی از دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نابسامان توزیع غذا و برخورد غیر انسانی مسوولان امور تغذیه این دانشکده، دست به اعتصاب غذا زدند.

این اعتصاب در اثر درگیری لفظی گروهی از دانشجویان با مسوولان امور تغذیه دانشگاه رخ داد.

این دانشجویان بعد از قول مساعد گرفتن از شورای صنفی دانشگاه جهت بهبود وضعیت تغذیه اشان، به اعتصابشان پایان دادند.

تحصن دانشجویان « دانشکده شرکت ماشین سازی

اراک» در مقابل دفتر ریاست جمهوری

در روز دوشنبه ۳۰ آبانماه ۱۳۷۹ تعداد زیادی از دانشجویان معترض دانشکده شرکت ماشین سازی اراک، با در دست داشتن پلاکارتهایی در مقابل دفتر ریاست جمهوری این شهر گرد آمده و دست به تحصن زدند. آنان معتقدند ماشین سازی اراک بدون کسب مجوز مبادرت به پذیرش آنها نموده لذا وزارت صنایع از تایید مدارک مهندسی آنان سرباز می زدند. این مشکل از سالها قبل وجود داشته ولی مدیریت داخلی دانشکده شرکت ماشین سازی هیچ اقدامی در جهت بر طرف شدن آن انجام نداده است. دانشجویان تحصن کننده با صدور بیانیه ای خواستار رسیدگی به تعهداتی که شرکت ماشین سازی مبنی بر دادن مدرک قانونی مهندسی به دانشجویان داده بود، شدند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشکده پزشکی کردستان

در حدود ۷۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی دانشکده کردستان در شامگاه روز دوشنبه ۳۰ آبانماه ۱۳۷۹، در اعتراض به بالا بودن شهریه ها، در محوطه این دانشکده تجمع کرده و خواستار کاهش ۵۰ درصدی این شهریه ها شدند. اعتراضات این دانشجویان همچنان ادامه دارد.

اعتراض دانشجویان رشته تاریخ دانشگاه ارومیه

دانشجویان رشته ی تاریخ دانشگاه ارومیه درباره ی وضعیت نابسامان گروه تاریخ این دانشگاه نارضایتی خود را اعلام کردند. برخی از مشکلات این دانشجویان عبارتند از: ۱- نداشتن استاد ثابت ۲- کمبود منابع مطالعاتی ۳- وجود اساتیدی که از تخصص کافی برخوردار نیستند. ۴- ندادن مجوز برای برگزاری اردوهای علمی جهت بازدید آثار تاریخی.

دانشجویان تاریخ این دانشگاه معتقد هستند که مسوولان دانشگاه ارومیه، هیچ ارزش و اعتباری به دانشجویان تاریخ نمی دهند.

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان

اعتصاب غذا کردند

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در اعتراض به وضعیت نابسامان رفاهی و بی توجهی سازمانهای مربوطه رژیم به این امر، دست به اعتصاب غذا زدند. پاره یی از خواستهای این دانشجویان عبارتند از:

- بهبود کیفیت طبخ و سلف سرویس
- کاهش قیمت فیش های فراموشی و متاهلی
- بهبود وضعیت بهداشتی و رفاهی خوابگاههای دانشجویی

اعتراضات این دانشجویان از سال ۷۷ و ۷۸ شروع ولی هر بار با توجهی مسوولان رژیم مواجه شد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان با امضای طوماری مشتمل بر ۲۰۰ امضا اعلام کردند که «اعتراض صنفی است، انگ سیاسی نزنید».

آمار تکان دهنده!

آمارهای که جسته و گریخته از دهان سردمداران حکومت اسلامی خارج می شود گواه روشنی است که حکومت آخوندها به جز بدبختی و بیچارگی چیزی برای ایرانیان به ارمغان نیاورده است. فقر، فحشا، بیکاری، رشوه، بی برنامه‌گی ارگانهای دولتی، اختلاس های کلان مالی، قتل و جنایت، زندان و اعدام های بی رویه، همه و همه نشان می دهد که کارنامه رژیم بسیار سیاه تر آن است که با تبلیغات عوام فریبانه، پاک شود.

به قسمتی از این آمارهای تکان دهنده توجه کنید.

- علی النقی بافنده، مدیر امور حقوقی و هماهنگی امور استانهای سازمان نهضت سواد آموزی اعلام کرد: در سطح کشور ۳۰ میلیون نفر کم سواد هستند. او اشاره کرد که از این تعداد ۱۰ میلیون نفر بی سواد و ۲۰ میلیون نفر کم سواد هستند.
- عزت الله مولایی نیا معاون فرهنگی تربیتی سازمان زندانهای کشور در تاریخ ۲۴ آبانماه ۱۳۷۹ گفت: که دو سوم زندانیان کشور را جوانان زیر ۱۸ سال، با ۴۰۰ نوع جرم تشکیل می دهند. وی افزود: جامعه ما با یک بحران اخلاقی مواجه است و بی مسئولیتی و قانون شکنی در حال ترویج است.
- حمید رضا ترقی، معاون فرهنگی کمیته امام خمینی، اعلام کرد: در ایران بیش از ۳ میلیون بیکار وجود دارد که از هر سه نفر آنها، یک نفر لیسانسه است.
- محمد علی طالبی، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: هم اکنون در ایران ۱۲ میلیون نفر فقیر وجود دارد. او اضافه کرد که در کنار جمعیت ۳ میلیونی بیکاران، دو میلیون نفر نیز معتاد به مواد مخدر هستند.
- بنا به گفته دکتر ایرج خسرونی، عضو هیات رئیسه ی جامع پزشکان کشور بیش از ۱۰ هزار پزشک جوان با مشکل اشتغال مواجهند.

بهداشت:

«محمد شیرازی»، رئیس اداره سل و جذام وزارت بهداشت، گفت: در ایران از هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۹ نفر مبتلا به بیماری سل هستند (بنا به آمار گرفته شده در سال ۱۳۷۸). او گفت که استانهای سیستان و بلوچستان و گلستان بیشترین تعداد مبتلایان

به سل را در سطح کشور دارند و شاخص مبتلایان به سل در این استانها بیش از ۲ برابر شاخص کشوری است. شایان الذکر است علت شیوع بیماری سل، عدم واکسیناسیون دولتی هنگام بدو تولد است.

۲۰ درصد از جوانان بالای ۲۰ سال کشور مبتلا به بیماری قند پنهان هستند. دکتر «میر عرب» معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی همدان در گفت و گو با خبرنگار علمی خبرگزاری دولتی (ایسنا) گفت: در حدود یک میلیون و نیم نفر در کشور مبتلا به دیابت وجود دارد که ۷ درصد آنها بیماران بالای ۳۰ سال تشکیل می دهند. او گفت: ۲۰ تا ۱۵ درصد افراد بالای ۲۰ سال طبق آزمایشهای تخصصی دچار دیابت پنهان هستند و در این زمینه همچنین چهار و نیم درصد خانمهای باردار مبتلا به دیابت می شوند که این خود آمار بالایی را در بر می گیرد. باید توجه داشت که بسیاری از بیمارها موجود در ایران از جمله دیابت به جهت عدم تغذیه مناسب و ناراحتیهای عصبی عارض می گردد که حکومت اسلامی نقش اصلی را در پیدایش آنها ایفا می کند.

مسائل اجتماعی :

«انصاری» رئیس سازمان بهزیستی کشور در میزگردی در مجتمع خدمات بهزیستی شهید قدوسی گفت: در سال ۱۳۷۸، ۷۸ مورد قتل عمد، ۶۱ مورد قتل غیر عمد در ازای هر صد هزار نفر، ۱۰۵ مورد برخورد خشونت آمیز منجر به ضرب و شتم، ۷۰۷ مورد سرقت غیر مسلحانه، ۲۱۵۹ مورد اختلاس و جرایم مربوط به چک، ۱۰۰۱ مورد جرایم رانندگی، ۱۲۲۳ مشکل خانوادگی و ۷ مورد خودکشی موفق و ۱۳۸ مورد طلاق به طور روزانه در کشور گزارش شده است. او افزود این ارقام با توجه به میانگین کشورهای هم طراز ما رقم بالایی است و ما از وضعیت نامطلوبی برخورداریم. انصاری در مورد آمار طلاق اضافه کرد: در همین سال (۱۳۷۹) ۱۴ هزار و ۶۵ طلاق در شهری رخ داده است. روزنامه «رسالت»، ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۹، نوشت که در هر ۲۵ ثانیه یک نفر در ایران به زندان می افتد؛ از این تعداد مقدار بالای را زنان تشکیل می دهند.

به گفته «شهربانو امامی» نماینده اردبیل در مجلس شورای اسلامی، ۲۵ هزار کودک سرگردان و خیابانی در شهر تهران وجود دارد که قریب به اتفاق آنها را دخترها تشکیل می دهند. (همشهری ۲۰ مرداد ۷۹)

دفاع از محمود صالحی!

عمل کارگری - اطلاعیه ۲

۲۴ آبان ۱۳۷۹

نامه به گاردین*

سر دبیر محترم،

مقاله آقای عبدو زیر عنوان 'یک رادیکال، ایران را به تجاوز به حقوق انسانی متهم میکند' به تاریخ ۱۰ نوامبر و در باره رفتاری که با آقای اکبر گنجی در زندان شده است، هیچگونه اشاره ای به گذشته او، قبل از 'یک روزنامه نگار رک گو... و زندانی سیاسی' شدن، نمی کند.

آقای گنجی یکی از بنیانگذاران بخش فرهنگی سپاه پاسداران (به اصطلاح پاسداران انقلاب) بود. سپاه پاسداران ابزاری بسیار حیاتی برای آخوندها در سرکوب جنبش توده ای ۱۹۷۸/۷۹ ایران و حفظ و ادامه این دیکتاتوری بی مانند گردید.

اگرچه ما موقعیت آقای گنجی را در شرایط کنونی درک می کنیم، ولی هرگز نمی توانیم نقش افرادی مانند او را در ساختن دستگاه دولتی ای که امروز خود آنها را هدف قرار داده است، فراموش کرده و یا ببخشیم و نمی توانیم میزان رنج آنها را با فعالان مستقلی، مانند کارگران، دانشجویان و زنان ایران که در بند بوده و به خاطر ابتدایی ترین خواسته های اتحادیه ای، حقوق انسانی یا دموکراتیکشان شکنجه می شوند، مقایسه کنیم. به این دلیل، ما به جای دفاع از آقای گنجی، از فعالان اتحادیه ای همچون محمود صالحی دفاع می کنیم.

محمود صالحی، دبیر سندیکای اتحادیه نانوايي های شهر سقز، چندی پیش بوسیله پلیس امنیتی رژیم برای پنجمین بار دستگیر شد. جرم او صرفاً سازماندهی کارگران و دفاع از حقوق آنها بوده است.

شرایط بسیار خشن زندان باعث بیماری شدید او شده و به رسیدگی پزشکی فوری نیاز دارد. اما مقامات مسئول تا کنون هرگونه کمک پزشکی را بر او ممنوع کرده اند.

لذا ما خواهان آزادی فوری و رفع هرگونه اتهام علیه او می باشیم. کمپین دفاعی محمود صالحی دو هفته پیش آغاز و با استقبال اتحادیه های کارگری و سازمانهای دفاع از حقوق بشر روبرو شده است. ما از همگان مصرراً می خواهیم که نامه های اعتراض خود را به محمد خاتمی رئیس جمهور، نشانی: خیابان فلسطین، چهارراه آذربایجان، تهران، ایران یا آدرس الکترونیکی:

khatami@president.ir,

فکس: ۰۰۹۸ ۲۱۶ ۴۶۴ ۴۴۳ بفرستند

پیام های همبستگی را لطفاً به: amal@kargar.org یا

ifir@ukonline.co.uk ارسال نمایند.

با احترام،

مراد شیرین سردبیر «عمل کارگری»

۱۳ نوامبر ۲۰۰۰

Morad@kargar.org

* هفته پیش در روزنامه پرتیراژ «گاردین»، چاپ انگلستان، مقاله خبرنگار آن در ایران، عبدو، در دفاع از اکبر گنجی انتشار گشت. نامه فوق ترجمه پاسخ یکی از فعالان «اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی» به این شخص است.

برای دیگر مقالات از سایت زیر دیدن فرمائید:
<http://www.kargar.org/maghalat.htm>

بولتن انگلیسی «عمل کارگری» شماره ۳

انتشار یافت:

<http://kargar.org/english.htm>

مقالاتی در باره ستم بر زنان

<http://kargar.org/zanan.htm>